



شهر بانو جمعه پور

گفت وگو

«نفس» یک سریال تاریخی است که به فعالیت‌ها و روابط درون گروهی گروهک‌های چریکی فعال در سال‌های

پیش از پیروزی انقلاب اسلامی می‌پردازد. در این سریال، بیننده شاهد یک روایت عاشقانه در بستر تاریخ معاصر است و با فراز و فرودهای آن همراه می‌شود. بازیگران زیادی در این مجموعه حضور دارند که از آن جمله می‌توان به علیرضا کمالی، ساناز سعیدی، مسعود رایگان، ژاله صامتی، رامین راستاد، فاطمه گودرزی، بهناز جعفری و… اشاره کرد.

سریال «نفس» این شب‌ها روی آنتن کانال انگلیسی شبکه آی‌فیلم است. ژاله صامتی یکی از بازیگرانی است که در این مجموعه به ایفای نقش پرداخته که در ادامه مشروح مصاحبه ما را با او می‌خوانید.

این شب‌ها سریال «نفس» از شبکه انگلیسی آی‌فیلم با دوبله در حال پخش است، نظر تان درباره دوبله کارها چیست؟

راستش را بخواهید من جزو آن دسته از بازیگرانی هستم که زیاد با دوبله موافق نیستم. به عقیده من هیچ کسی به اندازه خود بازیگر نمی‌تواند حس او را منتقل کند. فکر نمی‌کنم این که ببینی فرد دیگری با زبان دیگری به جای تو صحبت می‌کند، خوشایند باشد. البته این یک نظر شخصی است. به‌طور کلی، تمایل ندارم که در کارهای داخلی هم کسی به جای من صحبت کند. حتی زمانی که در قدیم کارها دوبله می‌شد و صدابرداری انجام نمی‌شد، ترجیح می‌دادم خودم روی نقش‌هایم حرف بزنم.

خیلی وقت بود که از تلویزیون دور بودید اما با نفس دوباره روی آنتن بازگشتید، لطفاً از جذابیت‌های نقشی که در این سریال بر عهده داشتید بر ایمان بگو‌بید و این که چطور شد که دوباره کار تلویزیونی انجام دادید.

این که چرا با نفس به تلویزیون برگشتم، دلیلش این بود که نقشی که من قرار بود در این سریال بازی کنم خیلی خوب و قوی بود. تیمی هم که در این کار حضور داشتند، بسیار یکدست و حرفه‌ای بودند. کارگردان این کار آقای جلیل سامان بودند که در کار خودشان بسیار حرفه‌ای هستند و من کارهای ایشان را کلاً دوست دارم. این کار گروه تولید قابل اطمینانی داشت و می‌توانستم به آن‌ها اعتماد کنم که دقیقاً همان چیزی که وعده می‌دهند، ارائه می‌شود و در اختیار بیننده قرار می‌گیرد.

وقتی پیشنهاد بازی در سریال به شما ارائه شد، فیلمنامه به صورت کامل نوشته شده بود یا خیر؟

بله. همان‌طور که گفتم در سریال «نفس» با یک تیم حرفه‌ای کار می‌کردیم، به همین دلیل از همان ابتدای کار که با بازیگران تماس می‌گرفتند، ۳۰ قسمت فیلمنامه نوشته شده و تمیز موجود بود و همین موضوع بر اعتماد ما به کار می‌افزود. متأسفانه در برخی از مواقع وقتی از بازیگر دعوت می‌شود که در سریال یا فیلمی حضور داشته باشد، تنها بخشی از فیلمنامه نوشته شده است و معلوم نیست که در نهایت چه بلایی سر نقشت می‌آید.

برای شما فرق می‌کند که در تلویزیون کار کنید یا تئاتر و سینما؟ منظورم این است که اولویتی دارید؟

برای من اصلاً فرقی نمی‌کند که در کدام مدیوم کار کنم. موضوع مهم برایم این است که کار باکیفیت باشد و با تیم قوی کار کنم.

کدام‌یک برایتان جذاب‌تر است؟

تلویزیون، تئاتر و سینما هر کدام جذابیت‌های خاص خودشان را دارند اما برای بازیگرانی مانند من که به‌دنبال رضایت مخاطبان هستند، تلویزیون می‌تواند شرایط بهتری فراهم کند زیرا مخاطبان این رسانه بسیار بیشتر از تئاتر و سینما هستند. من عاشق مردم هستم و از هر طریقی که بتوانم با آن‌ها ارتباط بگیرم، خوشحال می‌شوم. خیلی از افراد به من می‌گویند که فلائی خیلی بد شد که امسال در جشنواره سیمبرغ نگرفتی، اما من معتقدم که خیلی وقت است که سیمبرغم را از مردم گرفته‌ام و هر روز می‌گیرم. همین که مردم مرا دوست دارند، برایم کافی است.

«نفس» یک سریال تاریخی است که به برهه‌ای از تاریخ معاصر ایران می‌پردازد، این نوع سریال‌ها چه جذابیت‌ها و سختی‌هایی دارند؟

به‌طور کلی کارهای تاریخی سخت هستند. زیرا باید چیزی را بازی کنی که مردم درباره آن ذهنیت دارند. به نظر من ساختن کارهای تاریخی، هم برای کارگردان و هم برای بازیگران سخت است. مثلاً تولید کارهای تخیلی به این اندازه سخت نیست، چون مردم از آنچه می‌بینند، ذهنیتی ندارند، اما بینندگان درباره تاریخ اطلاع دارند و نمی‌شود خیلی در تاریخ دست برد و باید با احتیاط کار کرد.

با این تفاسیر می‌توان گفت که ساخت آثار مرتبط با تاریخ معاصر سخت‌تر از کارهایی هستند که به تاریخ قدیمی‌تر و غیر معاصر مربوط می‌شوند؟

دقیقاً همین‌طور است. الان ما بینندگان را داریم که انقلاب ۵۷ را با چشم خودشان دیده‌اند و حتی در جنگ حضور داشته‌اند. سریال ساختن برای این افراد که تا این اندازه به موضوع نزدیک هستند، بسیار سخت است.

سریال آن‌طور که پیش‌بینی می‌کردید از آب در آمد، یا با آنچه در تصور تان بود فاصله داشت؟

سریال «نفس» یکی از بهترین سریال‌هایی است که تاکنون در ایران ساخته شده است. می‌توانم به جرأت بگویم که هیچ‌کس نتوانسته است از این سریال ایرادی جدی بگیرد. تمام نماها به‌خوبی گرفته شده‌اند، بازی‌ها یکدست، موزیک خوب و کارگردانی دقیق است. البته این که بعضی افراد این سریال را نپسندیده‌اند، بحث دیگری است. بالاخره بینندگان سلیاق مختلفی دارند و ممکن است از این سبک کار خوششان نیاید، اما به‌لحاظ فنی و در شمایل حرفه‌ای کار خوبی ساخته شده است.

سریال «نفس» در ماه رمضان پخش شد، آیا این کار به‌صورت مناسبتی ساخته شده بود یا بعداً تصمیم گرفته شد که در این ماه پخش شود؟

نه. اصلاً قرار نبود که این کار مناسبتی باشد و در ماه رمضان پخش شود. اما مدیران آن زمان شبکه تصمیم گرفتند که کار را در ماه مبارک رمضان پخش کنند.

این کار چه جایگاهی در کارنامه هنری شما دارد؟

سریال «نفس» کار خوبی است. همه چیز سر جای خودش است و از همان ابتدا کار به‌صورت حرفه‌ای انجام شد. همین که فیلمنامه در زمان شروع کار به صورت کامل نوشته شده بود، کارگردان با دقت بازیگران را انتخاب کرد و بازی‌ها تمیز بود، نشان می‌دهد که کار درست انجام شد. باتوجه به تمامی این مسائل می‌توانم بگویم که این کار جایگاه خوبی در ذهن و رزومه من دارد و از این‌که در این سریال حضور داشتم، خوشحالم.

به نظر خود تان آنچه در این سریال به تصویر کشیده شد چقدر به وقایعی که در آن برهه تاریخی رخ داد، شباهت داشت؟ منظورم این است که دست‌اندر کاران این سریال چقدر در فضاسازی موفق بودند؟

اتفاقاً یکی از نقاط قوت «نفس» این است که فضاسازی خوبی در آن صورت گرفته است. آنچه در این سریال می‌بینید بسیار شبیه به چیزی است که در آن سال‌ها رخ داده است و بیننده واقعا با آن ارتباط برقرار می‌کند. شاید یکی از دلایلی که این سریال مخاطبان زیادی داشت، همین موضوع بود.

صرف نظر از بازی‌های خوب، قصه این سریال به نظر تان چقدر در جذب مخاطب نقش داشت؟

قصه این سریال خیلی خوب نوشته شده بود. ویژگی منحصر‌فردش این بود که یک روایت عشقی را با تاریخ در هم آمیخته بود و همین موضوع باعث می‌شد که بیننده با سریال همراه شود.

سوال آخرم این است که الان مشغول کاری هستید؟

من برای انجام یک کار تلویزیونی قول داده‌ام که فکر می‌کنم سال بعد کارهایم انجام شود. پیش‌بینی خودم این است که این‌اثر هم یک کار خوب باشد و بینندگان زیادی را با خودش همراه کند.

نگاهی به سریال «نفس»

به بهانه پخش از آی‌فیلم انگلیسی

هم‌نقشی‌درام با تاریخ معاصر

زهراصلواتی

پرداختن به گروهک‌های سیاسی عمدتاً مسلح فعال در سال‌های پیش و پس از انقلاب اسلامی دست‌کم در سه دهه، جزو مغفول مانده‌های عرصه رسانه خصوصاً در حوزه تصویر بوده است. از آثار هیجان‌زده و آمیخته به شعار سال‌های ابتدایی دهه ۶۰ که بگذریم، چه سینما و چه تلویزیون به‌نوعی حضور و فعالیت در این وادی را به دست فراموشی سپرده و شاید در یک سکوت خودخواسته فرو رفته بودند. چراغ اول را برای رجعت به این موضوع اما، بی‌گمان تلویزیون روشن کرد با سریال «ارمغان تاریکی» جلیل سامان؛ مجموعه‌ای که مخاطبان قاب جادو را به‌نوعی غافلگیر کرد و سخت بر دل و جانشان نشست. سامان جای پایش را در این عرصه با سریال «پروانه» محکم کرد و با «نفس» سه‌گانه‌اش را کامل کرد. پنج سال پس از روی آنتن رفتن «ارمغان تاریکی» بود که سینما تازه به صرافت ساخت فیلم‌های سینمایی با محوریت گروهک‌های چریکی مسلح و به‌طور مشخص سازمان مجاهدین خلق (منافقین) افتاد، با آثاری همچون «سیانور»، «ماجرای نیمروز» و «امکان مینا» که الحق والانصاف فیلم‌هایی در خور توجه و تأمل بودند. در این میان اما در پرداخت و واکاوی برخی از احوالات سازمان منافقین در قالب درام و تصویر، جلیل سامان یک پیشرو به حساب می‌آید.

سریال «نفس» به‌عنوان ضلع سوم و پایانی سه‌گانه سامان، هر چند واجد ویژگی‌ها و شاخصه‌های بارزی است اما به نسبت دو مجموعه قبلی کارگردانش، حرف تازه‌ای برای گفتن ندارد و مخاطب را به اندازه گذشته دچار هیجان و اشتیاق نمی‌کند.

شاید بتوان این‌گونه گفت که سه‌گانه سامان نیز به سرنوشت معمول دنباله‌سازی بر آثار نمایشی ایرانی دچار شده و یک روند تقریباً نزولی را پیموده است. هر چند مقوله درام در «نفس» نیز همانند «ارمغان تاریکی» و «پروانه» پررنگ است و همین، یکی از دلایل قوت آن به شمار می‌رود اما شباهت قصه‌اش به دو سریال قبلی کارگردان، عیار جذابیتش را برای تماشاگر پایین آورده است. در عین حال، ریتم کند سریال هم این نقصان را گل‌درشت و برجسته کرده و بیش از پیش به چشم می‌آورد. جلیل سامان در «نفس» در قیاس با دو اثر قبلی‌اش، انرژی و وقت بیشتری را به خاطر‌ه‌بازی و برانگیختن حس نوستالژیک مخاطب اختصاص داده است و همین عامل، شاید باعث شده تا تمرکز بر قصه و خط روایت آن در بستر فیلمنامه کم‌رنگ شود.

با این حال، «نفس» در مقایسه با بسیاری از سریال‌های تلویزیونی در سال‌های اخیر یک سرر و گردن بالاتر می‌ایستد. اصولاً فراهم آوردن لوکیشن‌های فیلمنامه‌ای که قصه‌اش در سال‌های پایانی دهه ۵۰ و ابتدایی دهه ۶۰ می‌گذرد کار آسانی نیست و سامان در هر سه مجموعه‌اش، به‌خوبی از پس این مهم برآمده و آثارش در قیاس با سریال‌های مشابه به‌لحاظ مقطع زمانی، دارای کمترین اشتباه و خطاست.

فقدان لوکیشن‌های مناسب برای ساخت آثار این‌چنینی، بخش عمده‌ای از توان و تمرکز کارگردان را برای یافتن لوکشین و فضاسازی به خود اختصاص می‌دهد. طراحی لباس، صحنه و گریم بازیگران را نیز باید به این مجموعه اضافه کرد. جلیل سامان اما نشان داده که استاد این فضاسازی‌هاست و از این بابت در آثارش کمترین نقصان و کمبودی رویت می‌شود.

کارگردان سریال «نفس» مانند دو مجموعه قبلی‌اش، از بازیگران جوان و کمتر شناخته‌شده برای ایفای نقش‌های اصلی اثرش بهره گرفته است تا مخاطب را یاری دهد که بدون هیچ‌گونه پیش‌زمینه قبلی، کاراکترهایش را ببیزد و با آن‌ها هم‌ذات‌پنداری کند. گرفتن بازی‌های خوب و و هدایت مناسب ساناز سعیدی و علیرضا کمالی و به‌خصوص کمالی، مهر تاییدی است بر این ادعا. حسن دیگر سه‌گانه سامان و به‌طور مشخص سریال «نفس»، پرداختن و تمرکز بر فعالیت‌های سازمان منافقین و روابط درون گروهی اعضای آن در پس روایت یک قصه عاشقانه است. به تعبیر بهتر، او به‌طور مستقیم و عریان، به سراغ روابط سازمانی و مناسبات برآمده از آن نمی‌رود، بلکه با طراحی یک درام جذاب و در پس یک رابطه و دلدادگی عاشقانه، به‌شکل غیرمستقیم نگاهی هنرمندانه دارد به چگونگی شکل‌گیری، فعالیت و فرجام این گروهک‌های چریکی، بدون آن که مخاطب را دل‌زده کند و به شعارزدگی و کلیشه نزدیک شود.

باتوجه به فعالیت دوباره این گروهک‌های مطرود در سال‌های اخیر به‌خصوص در شبکه‌های ماهواره‌ای و فضای مجازی، ساخت آثاری مانند سه‌گانه «ارمغان تاریکی»، «پروانه» و «نفس» لازم و ضروری به نظر می‌رسد، خاصه جهت آشنایی نسل سوم و چهارم انقلاب که این گروهک‌ها و فعالیت‌هایشان را از نزدیک لمس نکرده و آشنایی کافی و وافی با آن‌ها ندارد.

قرار گرفتن مجموعه «نفس» در جدول پخش شبکه انگلیسی آی‌فیلم، آن‌هم در ایام دهه فجر و روزهای منتهی به سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی، یک انتخاب هوشمندانه است تا مخاطبان به‌خصوص جوان و نوجوان ایرانی ساکن در خارج از کشور این شبکه پربیننده، با حال و هوای آن ایام و گروه‌های فعال در آن برهه زمانی خاص و حساس بیش از پیش آشنا شوند.